

چکیده

مبانی فقهی بازار پول و سرمایه کتابی فارسی که به بیان احکام اساسی قراردادهای و حسن بهاری قراملکی نویسندگان [سید عباس موسویان](#)، معاملات اسلامی می‌پردازد کتاب در هشت فصل به بررسی مفهوم و کلیات دانش فقه، اصول پایه‌ای معاملات، ضوابط عمومی و ضوابط اختصاصی قراردادهای، اختیارات و فسخ و اقاله در بازار پول و سرمایه از منظر فقه اسلامی شیعی و سنی پرداخته‌اند.

به باور نویسندگان، چون سرعت تحولات در بازارهای مالی زیاد است، اصل صحت و اصل لزوم کاربرد زیادی در پذیرفته شدن مشروعیت قراردادهای جدید دارد و اینکه تا دلیل روشنی بر رد آنها وجود نداشته باشد، قابل فسخ نیستند. نویسندگان کتاب بر این نکته تأکید دارند که در اسلام هر قراردادی که با ضوابط عمومی حاکم بر معاملات تضاد نداشته روی شاخص‌های بازار باشد، مورد تأیید است؛ به همین دلیل آنان [قراردادهای مشتقه](#) را چون با ضوابط و [قرارداد اختیار معامله](#) سهام یا شاخص نرخ بهره از جمله [قرارداد آتی](#)، عمومی معاملات در اسلام تضاد دارد، باطل دانسته‌اند.

نگارندگان کتاب با تقسیم‌بندی چهارگانه جدید، قراردادهای را به غیرانتفاعی، انتفاعی مبادله‌ای، انتفاعی مشارکتی و مکمل تقسیم و ذیل هر کدام از این اقسام، چند باب فقهی را بررسی و احکام هر کدام را ذکر کرده‌اند. از جمله اینکه اثرات تورمی زمانی در قرض اثر دارد که قرض‌گیرنده در پس دادن قرض تأخیر کند. صحت فروش دین و اجاره به شرط تملیک از دیگر نظراتی است که نویسندگان به آن اعتقاد دارند.

درباره کتاب و ساختار آن

(فقیه اقتصاددان) و کتاب مبانی فقهی بازار پول و سرمایه، تألیف [سید عباس موسویان](#) حسن بهاری قراملکی (محقق اقتصاد اسلامی) در هشت فصل به دنبال بررسی مبانی فقهی بازار پول و سرمایه به صورت تطبیقی از منظر فقه شیعه و اهل سنت است. این در سال ۱۳۹۱ ش منتشر شده است کتاب توسط انتشارات [دانشگاه امام صادق \(ع\)](#)

نویسندگان در فصل نخست به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی و همچنین اهمیت فقه و انواع تقسیم ابواب فقهی پرداخته‌اند. آنان با بیان تقسیم‌های رایج درباره ابواب فقهی در فقه اهل سنت و شیعه، در نهایت تقسیم‌بندی خود درباره معاملات و انواع قرارداد را ارائه می‌دهند (ص ۲۸-۳۵). در فصل‌های دوم و سوم، اصول پایه‌ای صحت و لزوم قراردادهای با بررسی می‌شود. در و همچنین [سیره عقلا](#) استناد به آیات، روایات و [سیره متشرعه](#) فصل چهارم ذیل عنوان ضوابط عمومی قراردادهای به مباحثی چون [ممنوعیت اکل مال به باطل](#)، [نفی ضرر و ضرار](#)، [ممنوعیت غیر](#)، حرمت قمار، ممنوعیت ربا و بررسی حیل‌های ربا پرداخته می‌شود. فصل پنجم درباره اهلیت متعاقدين و شرایط عوضین است. در فصل ششم با عنوان ضوابط اختصاصی قراردادهای، به صورت مفصل قراردادهای اسلامی را در یک تقسیم‌بندی چهارگانه شرح داده است. این قراردادهای عبارتند از: قراردادهای غیرانتفاعی (مانند قرض، ودیعه، هبه و صدقه)، قراردادهای اصیل انتفاعی مبادله‌ای، قراردادهای (و دین و [سفته](#) (مانند بیع، اجاره، جعاله، [استصناع](#)، صلح، [بیمه](#)، [سرقفلی](#)

انتفاعی مشارکتی (مانند شرکت، [مضاربه](#)، مزارعه و مساقات) و قراردادهای معین (مانند ضمان، حواله، کفالت و رهن). فصل هفتم به اختیارات و اقسام آن و فصل هشتم نیز به فسخ و اقاله اختصاص دارد.

کاربرد دو اصل صحت و لزوم در بازار پول و سرمایه

نویسندگان کتاب قبل از ورود به بیان دلایل اصل صحت و اصل لزوم قراردادهای بر این نکته تأکید دارند که مسلمانان در چارچوب قراردادهای رایج اصل رسالت محصور نیستند و همه قراردادهای عقلایی با رعایت ضوابط کلی جایز هستند و حتی فراتر از این اندیشمندان اسلامی باید به تفکر درباره طراحی ابزارهای نوین مالی متناسب با عصر و زمان خود بپردازند (ص ۳۹). به گفته آنان همه فقیهان گذشته اصل اولی در قراردادهای مالی را فساد دانسته‌اند؛ ولی اکثر فقیهان متأخر، بر این باورند که اطلاقات و عمومات کتاب و سنت حاکی از صحت شرعی معاملات عرفی است مگر زمانی که دلیل خاص یا عام بر بطلان معامله داشته باشیم (ص ۴۱). نگارندگان کتاب با بررسی متون فقهی گفته‌اند که فقیهان برای اثبات اصل ثانوی صحت قراردادهای، به آیاتی از قرآن مانند [آیه وفای به عهد](#) (ص ۴۲ و ۵۲ و ۵۳) و احادیثی از جمله [المسلمون عند](#) و [آیه تجارت عقد](#)، [آیه وفای به عهد](#) (ص ۶۶) و همچنین به سیره شارع و (ص ۶۱) و [الناس مسلطون علی اموالهم بشروطهم](#) متشعره در معاملات استناد کرده‌اند (ص ۷۱). به گفته آنان، بخشی از همین ادله و نیز برای اثبات اصل لزوم قراردادهای مورد استفاده همچنین سیره عقلاء و [قاعده استصحاب](#) قرار گرفته شده است (ص ۸۱-۸۸).

نویسندگان کتاب معتقدند که اصل صحت در بازارهای پول و سرمایه اهمیت زیادی دارد؛ چون سرعت تغییر و تحول در این بازارها از نظر نوع قرارداد و شیوه‌های عملیاتی زیاد است و اگر اصل صحت قراردادهای پذیرفته شود همه این قراردادهای و شیوه‌ها تا زمانی که مخالف یکی از اصول و ضوابط عمومی نباشند، محکوم به صحت هستند و به صرف جدید بودن باطل نخواهند بود (ص ۷۴). همچنین کاربرد اصل لزوم قراردادهای در بازارهای پول و سرمایه به این معناست که همه این قراردادهای تا زمانی که دلیل روشنی بر جوازشان نباشد، لازم‌اند و آنها را یک طرفه و بدون رضایت طرفین نمی‌توان فسخ کرد (ص ۸۹).

کاربرد قواعد عمومی فقهی معاملات در بازار پول و سرمایه

نویسندگان کتاب با اذعان به این نکته که اسلام هر قراردادی که با ضوابط کلی حاکم بر معاملات تضاد نداشته باشد را تأیید کرده (ص ۹۲)، به بررسی این ضوابط و قواعد عمومی از منظر اسلام پرداخته‌اند. آنان قبل از بیان کاربرد این قواعد درباره معاملات جدید و در بازارهای مالی، به پیگیری این قواعد در آموزه‌های فقهی و بیان مفاد کلی، دلالت، و قلمرو آنها و همچنین نظرات فقها می‌پردازند.

نگارندگان کتاب با اشاره به این نکته که در اسلام معاملاتی: ممنوعیت اکل مال به باطل که از دید عرف و عقلا یا شرع، اکل مال به باطل باشند، حرام است، معتقدند که ماهیت برخی از معاملات امروزه بازارهای مالی و پولی، مصداقی از قاعده ممنوعیت اکل مال به روی باطل و از نظر فقهای شیعه و اهل سنت باطل‌اند؛ مانند [قراردادهای مشتقه](#)

و قرارداد اختیار شاخص‌های بازار سهام یا شاخص نرخ بهره از جمله قرارداد آتی (ص ۱۰۶-۱۰۷) معامله

در کنار اصل صحت شرعی همه قراردادهای عقلایی، نویسندگان: نفی ضرر و ضرار معتقدند به مقتضای قاعده لاضرر و لاضرار، اگر اصل معامله یا یکی از شروط و اوصاف آن منتهی به ضرر و زیان شود، از نظر شرعی حرام و ضمان آور است (ص ۱۲۳)

به باور نویسندگان، با توجه به اینکه برخی از ارکان و عناصر بازارهای مالی، نفی غرر مبهم و مجهول است، این قراردادها از مصادیق نفی غرر است؛ مانند معاملات روی شاخص‌ها یا دارایی‌هایی که از جهت کمیت، کیفیت یا قابلیت پرداخت، مبهم و زیر سؤال‌اند. البته نباید هر نوع ریسک یا ریسک بالا را با غرر، مساوی دانست و قراردادهایی چون بیمه، آتی و اختیار معامله را غرری و باطل دانست (ص ۱۳۸)

نگارندگان گفته‌اند که در بازارهای مالی و پولی امروزی معاملاتی وجود: ممنوعیت قمار دارد که تشابه زیادی با قمار دارد؛ چون معامله روی مقوله‌هایی بسته شده است که وجود حقیقتی و حتی اعتباری ندارند و از نظر عقلا مال و دارایی محسوب نمی‌شوند؛ مانند قراردادهای آتی یا اختیار معامله روی شاخص سهام یا شاخص نرخ بهره که وجود انتزاعی دارند و به هیچ وجه قابل قبض و انقباض نیستند و در حقیقت نوعی شرط بندی و قمار روی تغییرات شاخص است (ص ۱۴۹)

به گفته نویسندگان کتاب، مهم‌ترین شاخص تفاوت بین اقتصاد اسلامی با: ممنوعیت ربا (۱۴۹-۱۵۰) سایر اقتصادها ممنوعیت ربا است

حرمت دفعی ربا در قرآن

یکی از قواعد عمومی معاملات و قراردادها، حرمت رباست. در اینکه تحریم ربا مثل حکم شراب، تدریجی یا دفعی بوده، میان فقها اختلاف است (ص ۱۵۴). نظر نویسندگان کتاب بر این است که با جمع‌بندی آیات قرآن، قرینه و شاهی بر نظریه تحریم تدریجی ربا به دست نمی‌آید؛ چراکه تاریخ نزول و محتوای اکثر آیات ربا با این نظریه منافات دارد. به نظر اعلام شده است و این حکم با می‌رسد حکم دفعی تحریم ربا با نزول آیه ۳۹ سوره روم مبنی بر توبیخ سوره بقره تا ۲۷۹ نزول آیات دیگر تثبیت شده است؛ ماند آیات ۲۷۵ کسانی که هنوز از رباخواری دست برنداشته‌اند (ص ۱۵۹)

کاربرد ربا و حیله‌های ربا در بازار پول و سرمایه

به گفته نگارندگان کتاب، با گسترش نظام سرمایه‌داری و بانکداری به سمت کشورهای اسلامی از حدود ۱۰۰ سال پیش، مسائل جدیدی پیرامون ربا مطرح شده است. از جمله و اوراق اینها نظریات جدید درباره ربا و توجیه بهره نظام سرمایه‌داری به‌ویژه بهره بانکی است (ص ۱۶۵ تا ۱۷۷). در کنار حرمت ربا و توجیهات درباره حلیت بهره‌های بانکی، قرضه نویسندگان از مسئله حیله‌های فرار از ربا و اختلاف فقها درباره مشروعیت آنها نیز سخن می‌گویند (ص ۱۸۱) و اینکه هر دو طرف ادله خودشان را مطرح کرده‌اند. مخالفت با علت و حکمت تحریم ربا، از جمله دلایل ممنوعیت حیله‌های ربا (ص ۱۸۲) و روایات تجویزکننده از

ادله جواز حيله‌های ربا برشمرده شده است (ص ۱۹۰). نویسندگان معتقدند نمی‌توان حکم واحدی را برای همه حيله‌های ربا در نظر گرفت؛ اما می‌توان با ارائه معیارهای مشخص، حيله‌های مجاز را از حيله‌های غیرمجاز تفکیک کرد (ص ۱۹۶). به باور آنها، نبود قصد جدی برای معامله، صدق عنوان ربا با وجود قصد جدی معامله و اتحاد عرفی و عقلایی حيله با ربا سه معیار تشخیص حيله‌های مجاز و غیرمجازند و بر این اساس، خرید و فروش نقد و نسیه، خرید و اجاره به شرط تملیک دارایی‌های ثابت، و فروش نسیه و تزیل، از مصادیق حيله‌های مجاز ربا هستند (ص ۱۹۶ تا ۱۹۹).

تعریف مالیت و انواع مال در بازارهای پول و سرمایه

در فصل پنجم کتاب ذیل عنوان اهلیت متعاقدين و شرایط عوضین به نقل از متون فقهی هفت شرط برای اهلیت طرفین قرارداد در نظر گرفته شده است که عبارتند از: بلوغ، عقل، عدم حجر، اختیار، قصد، جواز تصرف و تعیین طرف معامله (ص ۲۱۵). تفاوت ماهیت مال و مالیت و تحقق آن در اشیا از نگاه فقیهان و اقتصاددانان (ارزش مبادلاتی) نیز از موضوعات اساسی در قراردادهای مالی محسوب می‌شود که در کتاب به آن پرداخته شده است (ص ۲۲۷). همچنین گونه‌های مال را از یک جهت به عین، منفعت و حق تقسیم کرده‌اند و برای هر کدام نیز اقسامی گفته شده که البته در بعضی از آنها اختلاف فقهی وجود دارد (ص ۲۲۸).

نویسندگان کتاب با اشاره به نظر فقیهان شیعه و اهل سنت و جمع‌بندی نظر آنها به این نتیجه رسیده‌اند که دو ملاک اصلی برای مالیت اشیا در نظر گرفته شده است؛ ۱) قابلیت پرداخت مال در إزای آن و ۲) حلیت شرعی استعمال و مشروعیت منافع آن؛ بنابراین دین که در بازارهای سرمایه و پول کاربرد دارد، مال محسوب می‌گردد و خرید و فروش آن (مانعی ندارد؛ مگر به جهاتی مانند ربا (ص ۲۳۳).

دسته بندی عقود اسلامی بر اساس بازار پول و سرمایه

نویسندگان کتاب علاوه بر ضوابط کلی و عمومی قراردادها که در فصول گذشته به آن پرداختند، به ضوابط اختصاصی قراردادها هم ذیل عناوین مختلفی در فقه معاملات می‌پردازند. آنان در این کتاب به بررسی بیش از بیست قراردادهای اسلامی مرتبط با بازار پول و سرمایه و فتاوای مشهور فقهای شیعه و اهل سنت درباره آنها پرداخته‌اند. نویسندگان کتاب، در تقسیم‌بندی جدیدی از باب معاملات، قراردادها را در یک دسته‌بندی چهارگانه ارائه کرده‌اند (ص ۲۴۳).

قراردادهای غیرانتفاعی مانند قرض، ودیعه، وقف، صدقه، هبه. در این نوع قراردادها افراد دنبال سود و انتفاع نیستند و فقط آن کار را به قصد احسان انجام می‌دهند (ص ۲۴۴).

قراردادهای انتفاعی مبادله‌ای مانند بیع، اجاره، جعالة، استصناع، صلح، دین در این نوع قراردادها، طرفین قرارداد اموال و دارایی‌های خود را و سفته، بیمه، سرقفلی، اعم از اعیان، منافع، حقوق و امتیازات مالی، مبادله می‌کنند (ص ۲۷۳).

قراردادهای انتفاعی مشارکتی مانند شرکت، [مضاربه](#)، مزارعه، مساقات. در این نوع قرارداد، طرفین قرارداد با ترکیب سرمایه‌ها یا با ترکیب کار و سرمایه زمینه‌های لازم برای کسب سود را فراهم می‌کنند (ص ۳۸۶)

قراردادهای معین (مکمل) مانند ضمان، حواله، کفالت، رهن. این نوع از قراردادها مکمل قراردادهای دیگر است و مقصود بالاصالة نیستند (ص ۴۱۶)

کاربرد قرارداد قرض در بازار پول و سرمایه

به باور نویسندگان، قرارداد قرض از مهمترین قراردادهای غیرانتفاعی، امروزه نیز از رایج‌ترین قراردادهای در بازار سرمایه است و ماهیت آن در اسلام، قراردادی تملیکی، معاوضی و تبرعی است (ص ۲۴۶). آنان قرض را یک قرارداد لازم می‌دانند و اینکه قرض‌دهنده می‌تواند در صورت عدم شرط زمان، مال قرضی را از قرض‌گیرنده مطالبه کند، به معنی فسخ و جایز بودن عقد نیست (ص ۲۴۷). به گفته نگارندگان، بین فقها درباره جواز قیمی بودن مال قرضی اختلاف نظر است (ص ۲۴۹) و در این حالت نیز درباره عوض قرض قیمی بحث و نظر است. طبق دیدگاه مشهور فقهای شیعه، در قرض قیمی، قیمت کالا بر عهده قرض‌گیرنده است. برخی از فقها معتقدند که در قرض کالای مثلی یا قیمتی، اگر قرض‌گیرنده عین کالای قرض‌شده را به قرض‌دهنده پس دهد قبول آن بر قرض‌دهنده لازم است (ص ۲۵۱)

کاهش یا افزایش ارزش مبادلاتی مال قرضی در اثر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی نیز از مباحث مهم قرض محسوب شده است که آیا این تغییر، در میزان بازپرداخت بدهی و قرض تفاوتی ایجاد می‌کند یا خیر. به گفته نویسندگان این بحث از قدیم بوده اما امروزه اهمیت جدی‌تری پیدا کرده است. با قرض پول، در فرض تغییر ارزش پول (مال قرضی) بر اثر تحولات اقتصادی مثل [تورم](#)، چون پول از امور مثلی است، مثل آن بر ذمه قرض‌گیرنده است و وی ضامن جبران کاهش ارزش قرض نیست؛ مگر اینکه قرض در سررسید خود پرداخت نشود و کاهش ارزش پول در این تأخیر اتفاق بیفتد که به مقتضای [قاعده نفی ضرر](#)، جبران خسارات لازم است (ص ۲۵۳-۲۵۴)

کاربرد بیع دین در بازار پول و سرمایه

به گفته نویسندگان کتاب، یکی از اقسام بیع که در بازارهای پول و سرمایه و تأمین (ص ۲۸۲). سرمایه در گردش، بسیار رواج دارد، بیع دین است؛ مانند [تنزیل اسناد تجاری](#) نویسندگان کتاب، ضمن اذعان به پراکندگی و غیرمتمرکز بودن بحث‌های فقهی فروش دین (ص ۲۸۳) بررسی فقهی انواع این بیع را در دو دسته فروش دین (ص ۲۸۸) و فروش دین به دین (ص ۲۹۹) و سپس فروش دین به قیمت کمتر از مبلغ دین (ص ۳۰۵) انجام داده‌اند. به باور آنها، همه صورت‌ها و حالت‌های فروش دین به مدیون یا اشخاص ثالث جایز است (ص ۲۹۹) و درباره اقسام فروش دین به دین نیز قائل به صحت فی الجمله این قراردادها هستند (ص ۳۰۵)

اجاره به شرط تملیک

قرارداد اجاره به شرط تملیک از مباحث جدید بازار پول و سرمایه محسوب شده که طی آن مستأجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل به مفاد قرارداد، مالک عین مستأجره می‌شود (ص ۳۲۰). به باور نویسندگان کتاب این نوع از قرارداد با رعایت شرایطی چون قصد جدی داشتن مستأجر، پرداخت اقساط ماهانه و تملیک مورد اجاره توسط موجر به مستأجر صحیح است (ص ۳۲۲).

کاربرد قراردادهای مضاربه و جعاله در بازار پول و سرمایه

به باور نویسندگان کتاب، در گروه قراردادهای انتفاعی مشارکتی، دو **جعاله**، در تجارت و بازار پول و سرمایه کاربرد زیادی دارند؛ زیرا در هر دو قرارداد **مضاربه** قرارداد، ترکیبی از کار و سرمایه وجود دارد، اما جعاله احکام راحت‌تری دارد (ص ۳۹۳ و ۴۰۱). طبق گفته آنها، در قرارداد مضاربه، سرمایه باید در تجارت و خرید و فروش به کار گرفته شود و سود حاصل نیز میان مالک سرمایه و عامل کار به نسبت مشخص تقسیم می‌گردد و سودی به اشخاص ثالث تعلق نمی‌گیرد. در این قرارداد عامل، ضامن سرمایه نیست و شرط ضمان در ضمن قرارداد را برخی فقها جایز نمی‌دانند (ص ۳۹۷ تا ۳۹۹). در مقابل، با استفاده از قرارداد جعاله می‌توان در سود شریک و از احکام مضاربه دور بود. در ترکیب کار و سرمایه طبق قرارداد جعاله، مالک سرمایه مانند بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و مالی، متعهد می‌شوند که هر شخص حقیقی یا حقوقی که با سرمایه تحت اختیار او تجارت کند درصدی از سود از آن او خواهد بود. در این حالت، لازم نیست سرمایه مانند مضاربه، عین باشد یا موضوع فعالیت تجارت، فقط بازرگانی و خرید و فروش کالا باشد، بلکه می‌تواند فعالیت صنعتی، کشاورزی یا خدماتی باشد (ص ۴۰۱).

کاربرد قرارداد ضمانت در تسهیلات بانکی

قرارداد ضمانت یکی از قراردادهای گروه قراردادهای معین و کمکی است. حذف رابطه طلبکار و بدهکار و ایجاد رابطه جدید بین طلبکار و ضامن، از آثار ضمانت فقهی در فقه شیعه است. در این ضمانت، طلبکار برای وصول بدهی خود حق مراجعه به بدهکار را ندارد و طلب خود را باید از ضامن مطالبه کند؛ البته در فقه اهل سنت، ضامن به دمه مضمون‌عنه (بدهکار) افزوده می‌شود و طلبکار حق رجوع به بدهکار را هم دارد (ص ۴۲۲). به گفته نویسندگان کتاب، ضمانت تسهیلات بانکی که امروز در بانکداری رایج است، ضمانت به معنای اصطلاحی اهل سنت است نه ضمان مصطلح شیعی. در ضمانت تسهیلات بانکی، اصل ضمان معلق نمی‌شود تا طبق نظر مشهور فقها باطل باشد بلکه ضمانت ضامن، بر عدم پرداخت بدهی توسط بدهکار معلق می‌شود و از این رو بانک یا مؤسسه مالی، طلب خود را زمانی از ضامن طلب می‌کند که بدهکار بازپرداخت وام را به تأخیر انداخته باشد یا از پرداختش خودداری کرده است (ص ۴۲۴).

کاربرد خيارات در اقتصاد کلان و بازار پول و سرمایه

فصل هفتم کتاب درباره خيارات و اقسام آن است. در این کتاب، خيارات بر اساس کاربرد به دو دسته خيارات مشترک و خيارات مختص تقسیم شده‌اند و سپس زیرمجموعه هر کدام شرح داده شده‌اند. خيارات مشترک شامل هفت خيار شرط، تخلف شرط، غبن،

عیب، تبعض صفقه و رؤیت است و خيارات مختص عبارت‌اند از سه خيار مجلس، حیوان و تأخیر (ص ۴۷۸). نویسندگان کتاب، در پایان فصل اشاره می‌کنند که در زمان طرح این مباحث در کتاب‌های فقهی، مباحث کلان امروزی وجود نداشته است؛ اما باید توجه داشت که مبانی این مباحث در روایات و متون فقهی بیان شده است و لازم است محققان و دانش پژوهان این مبانی را استخراج کنند و سپس در شاخه‌های گوناگون و پیچیده اقتصادی امروز تطبیق دهند و کاربردی کنند (ص ۵۱۶).

کاربرد و تفاوت فسخ و اقاله

عنوان آخرین فصل کتاب (فصل هشتم) «فسخ و اقاله» است. اقاله در جایی است که هیچ عامل فسخی رخ نداده و طرفین قرارداد فقط بر اساس توافق و رضایت معامله را به هم می‌زنند اما در فسخ، لازم است یکی از اسباب و عوامل فسخ موجود باشد و در این صورت بر هم زدن قرارداد یک طرفه است و رضایت طرف دیگر شرط نیست (ص ۵۲۹). این فصل در چهار صفحه تنظیم شده و فقط به مباحث اقاله اختصاص دارد؛ زیرا در مباحث و قراردادهای مطرح در فصول قبل، موضوع فسخ هر کدام از قراردادهای به طور کامل بحث شده است (ص ۵۲۹). با وجود اصل لزوم در قراردادهای، به عقیده فقهای شیعه، اقاله خلاف این قاعده نیست و در واقع فسخی است که با رضایت و اراده طرفین، در هر قراردادی می‌توان اجرا کرد؛ مگر در قراردادهایی که شارع اجازه اقاله نداده است، مانند قرارداد نکاح و وقف (ص ۵۳۲).

